

تغییر رویکرد سیاست خارجی ایالات متحده در آسیای میانه و تأثیر آن بر محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران

محمد فرهادی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۷/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۰۵

چکیده :

بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر تغییرات شگرفی در سطح نظام بین‌الملل، منطقه‌های مختلف جهان و همین‌طور مفاهیم مختلف به وجود آمد. بعد از این حادثه، ابتدا منطقه خاورمیانه در مرکز ثقل سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا قرار گرفت، زیرا این منطقه را عاملی علیه هژمونی خود در جهان می‌دانست؛ اما در سال‌های اخیر دوباره شاهد تحول رویکرد سیاست خارجی ایالات متحده از «خاورمیانه به آسیای میانه» هستیم. از این رو مقاله حاضر باهدف بررسی تأثیر تحول سیاست خارجی ایالات متحده بر محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران و ارائه راهکارهایی در جهت مقابله با آن نگاشته شده است. لذا پس از بسط فضای مفهومی و نیز رویکردهای نظری مرتبط با موضوع پژوهش، با استفاده از روش تحقیق کیفی و از نوع مطالعات اسنادی داده‌های تحقیق گردآوری شده و با استفاده از روش تحلیل متون مورد تحلیل و توصیف قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که: اجرای این سیاست از سوی ایالات متحده سبب بی‌ثباتی سیاسی-اقتصادی کشورهای منطقه آسیای میانه شده که این بی‌ثباتی بر تقویت جریان اسلام‌گرای افراطی تأثیر گذاشته و حضور نظامی ایالات متحده در منطقه را در پی داشته و کشورهای ایران، روسیه، چین و هند را با چالش‌های امنیتی روبه‌رو خواهد کرد. لذا پیشنهادهایی در محورهای سیاسی، فرهنگی، امنیتی و اقتصادی در جهت تأمین منافع ملی جمهوری اسلامی ایران و مقابله با تهدیدات ناشی تغییر رویکرد سیاست خارجی ایالات متحده ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: ایالات متحده؛ تحول سیاست خارجی؛ خاورمیانه؛ آسیای میانه؛ جمهوری اسلامی ایران؛ محیط امنیتی

^۱- دکتری علوم سیاسی، گرایش مطالعات منطقه ای (آسیای مرکزی و روسیه)

مقدمه:

منطقه آسیای مرکزی و قفقاز به دلیل موقعیت ژئواستراتژیک و دارا بودن ذخایر انرژی برای قدرت‌های بین‌المللی از جمله ایالات متحده، قدرت‌های اروپایی، روسیه و چین از اهمیت خاصی برخوردار است و در دو دهه گذشته پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی با رقابت این قدرت‌ها مواجه بوده است. شروع رقابت در این منطقه به روند تحولات و شرایط این منطقه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی بازمی‌گردد که موجب شد قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای برای نفوذ در کشورهای تازه استقلال‌یافته به طراحی سیاست‌های متفاوت اقدام نمایند. بر این اساس، طی دو دهه گذشته روسیه، چین، قدرت‌های غربی و برخی قدرت‌های منطقه‌ای به‌عنوان بازیگران اصلی این منطقه تلاش نموده‌اند که به دلیل منافع و اهداف خاص خود، اتحادها، ائتلاف‌ها و سازمان‌های جدیدی ایجاد نمایند یا این‌که کشورهای همسو را به تشکیل‌های خاص خود ملحق نمایند. این مسئله در کنار مسائلی چون اهداف و منافع کشورهای منطقه از سویی و هم‌چنین تعارض منافع بازیگران درگیر در منطقه از سوی دیگر سبب پیچیدگی شرایط منطقه گردیده است (واعظی، محمود ۱۳۹۲: ۱-۲)

لذا ایالات متحده متناسب با این وضعیت در پی طرح‌ریزی سیاست ثقل‌گرایی آسیایی برآمده است. طرح این مسئله که ایالات متحده توجه خود را در سال‌های آینده به سمت آسیا خواهد برد الزامات مختلفی را برای بازیگران مختلف در داخل و خارج از این منطقه به وجود آورده و بسیاری از ناظران را به پرسش در مورد ماهیت و اهداف این سیاست سوق داده است. هدف از تمرکز بر آسیا مهار اقتصادی چین، مهار امنیتی روسیه، تحت‌فشار قرار دادن هند و منزوی کردن جمهوری اسلامی ایران از طریق ایجاد ناامنی در مرزهای جنوب شرقی، خارج نمودن ایران از چرخه انتقال انرژی و ایجاد اختلال در روابط مثبت و سازنده ایران با کشورهای منطقه است؛ بنابراین آنچه اهمیت و ضرورت بررسی این سیاست (ثقل‌گرایی آسیایی) را در قالب این مقاله نشان می‌دهد این است که نه تنها تهدیدهای امنیتی، بلکه شکل‌گیری نظام امنیتی و تغییر محیط امنیتی که برای ایران دارای اهمیت حیاتی است را مورد بررسی قرار می‌دهد؛ از سوی دیگر تجزیه و تحلیل جایگاه و امنیت آسیای میانه در رابطه با تغییر و تحولات آتی جهانی در قالب تغییر رویکرد سیاست خارجی ایالات متحده در آسیای میانه و اثرگذاری آن بر محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران را مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد داد. علاوه بر آن، عدم آگاهی جمهوری اسلامی ایران از این تغییر رویکرد در سیاست ایالات متحده، ابتکار عمل لازم برای تبدیل تهدیدات به

————— تغییر رویکرد سیاست خارجی امریکا در آسیای میانه و تأثیر آن بر محیط امنیتی ج.ا.ا. ۱۴۱۰.۱.۱۴۱۰
فرصت یا حداقل تعدیل آن‌ها را از جمهوری اسلامی ایران می‌گیرد و این خود منجر به تهدید
منافع ملی جمهوری اسلامی در آسیای جنوب غربی می‌شود. لذا در راستای اهداف این مقاله این
پرسش‌ها مطرح می‌شوند: تغییر رویکرد سیاست خارجی ایالات متحده از منطقه خاورمیانه به
آسیای مرکزی با چه اهدافی انجام می‌شود؟ تأثیر تغییر رویکرد در سیاست خارجی ایالات متحده بر
محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران به چه صورت خواهد بود؟

روش‌شناسی:

پژوهش حاضر دارای ماهیت تحقیق توصیفی - تحلیلی است. علاوه بر این با توجه به ماهیت
موضوع پژوهش و استفاده‌ای که می‌توان از نتایج حاصل برای تثبیت و مقابله با تهدیدات منافع
ملی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی داشت، این پژوهش از نوع کاربردی محسوب می-
شود. همچنین باید اذعان داشت نوع روش گردآوری اطلاعات تحقیق، روش تحقیق کیفی و از
نوع مطالعات اسنادی باهدف دست یافتن به دیدگاه‌های جدید و ژرف‌نگری در موضوعات مرتبط
با تغییر رویکرد سیاست خارجی ایالات متحده در آسیای میانه و تأثیر آن بر محیط امنیتی جمهوری
اسلامی ایران است؛ بنابراین جامعه آماری موردبررسی، اسناد تحلیلی مرتبط با آسیای میانه است.
درنهایت به‌منظور توصیف و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل متون استفاده شده است.

تعریف مفاهیم:

سیاست ثقل‌گرایی آسیایی: چرخش و تغییر در رویکرد سیاست خارجی ایالات متحده از
خاورمیانه به آسیای میانه به علت اینکه این منطقه از نظر استراتژیک مهم‌ترین نقطه و کانون شکل-
دهنده مناسبات آینده جهانی بوده و ایالات متحده به‌اندازه کافی نسبت به مسائل استراتژیک این
منطقه توجه نداشته و باید از توجه بر سایر مناطق کم کند و بر این منطقه تمرکز کند
(سجادپور، ۱۳۹۱: ۱-۳).

محیط امنیتی: فضایی است که در آن بازیگران می‌توانند نیازهای امنیتی خود را با استفاده از
قابلیت‌های موجود در محیط دسته‌بندی و امکان پیگیری آن‌ها را تا رسیدن به هدف فراهم نمایند.
(عصاریان‌نژاد، ۱۳۸۷: ۹۳)

آسیای میانه: «در فرهنگ لغت روسی آسیای میانه، به محوطه‌ای که شامل بخش غربی و مرکزی
قاره اوراسیا، سرزمین وسیع ترکستان است گفته می‌شود. این نام که از مدت‌ها پیش وجود داشته از

۱۴۲ فصلنامه امنیت ملی، سال هفتم، شماره بیست و سوم، بهار ۱۳۹۶ —————*

کوه‌های اورال تا دریای خزر در غرب و جنوب شرقی آن تا آلتای و مرز چین، در جنوب ایران و افغانستان و در شمال استان‌های تورلسک و تومسک امتداد دارد. این سرزمین نیمی از وسعت اروپا را دارا است درحالی‌که تعداد جمعیت آن کم‌تر است»، (بلیتسکی، ۱۳۷۱: ۲۹)

تعریف عملیاتی: پژوهش حاضر بر آن است تا سیاست ثقل‌گرایی در آسیای میانه را در محورهایی همچون اهمیت آسیای میانه، اهداف سیاست ثقل‌گرایی و ابزار این سیاست را مورد تحلیل و بررسی قرار دهد: **الف: اهمیت آسیای مرکزی** (اهمیت ژئوپلیتیک، اهمیت سازمان شانگهای، اهمیت انرژی، گسترش اسلام‌گرایی افراطی، گسترش طرفداران نظام چندقطبی و شکل-گیری همکاری‌های اقتصادی بریکس)، **ب: اهداف** (مهار اقتصادی چین، مهار امنیتی روسیه، مزوی کردن ایران و تحت فشار قرار دادن هند)، **ج: ابزار** (تروریسم و اسلام‌گرایی افراطی)

پیشینه تحقیق:

فرهاد درویشی در مقاله‌ای با عنوان: محیط امنیتی ایران در قرن بیست و یکم، فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی، شماره ۴۲، ۱۳۸۴ با بهره‌گیری از روش تحقیق تحلیلی-توصیفی به این نتیجه می‌رسد که درک سیاستمداران امنیتی از چگونگی محیط امنیتی خویش از مقتضیات اولیه تدوین سیاست‌های امنیتی از جانب آن‌ها است. به‌طورکلی محیط امنیتی کشورها را می‌توان در سطوح بین‌المللی، منطقه‌ای مورد شناسایی و تجزیه و تحلیل قرارداد. نویسنده در این مقاله تلاش دارد تا محیط امنیتی ایران در شرایط کنونی و به تفکیک در سطوح یادشده را مورد بررسی قرار دهد.

عصاریان نژاد، حسین؛ نادی، حمیدرضا در مقاله‌ای با عنوان، درآمدی بر شناخت و تحلیل محیط امنیتی، مطالعات دفاعی استراتژیک، تابستان ۱۳۸۹ - شماره ۴۰، با بهره‌گیری از رویکرد اقتباسی-استنتاجی به دنبال ارائه مدلی برای درک عینی و به تعبیری مهندسی محیط امنیتی با بهره‌گیری از تکنیک سنیکتیکس (از تکنیک‌های خلق ایده) و همچنین تبیین عناصر اصلی و محوری اثرگذار در محیط بوده. برای پاسخ به سؤال اصلی تحقیق یعنی اینکه شناخت و تحلیل محیط امنیتی بر چه پایه‌هایی استوار است؟ راهبردهایی همانند مهندسی محیط امنیتی، نقش گفتمان غالب و عامل محوری و ... برای شناخت و تحلیل این حوزه ارائه دهد. حسین عصاریان نژاد و محمدجواد عزیزاده، در مقاله‌ای با عنوان: ویژگی‌ها و چالش‌های محیط امنیتی پیرامون جمهوری اسلامی ایران با رویکرد مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای، فصلنامه امنیت، سال یکم، شماره دوم، ۱۳۹۰، با بهره‌گیری از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی به این نتیجه می‌رسند که جمهوری اسلامی ایران به لحاظ جایگاه

————— ✦ تغییر رویکرد سیاست خارجی آمریکا در آسیای میانه و تأثیر آن بر محیط امنیتی ج.ا.ا. ۱۴۳۰

بی‌بدیل ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک خود، یکی از متغیرترین محیط‌های امنیتی را به ویژه در سطح منطقه‌ای داراست. به همین سبب «تبیین» و «تشریح» واقع‌بینانه و علمی ویژگی‌های محیط امنیتی و آگاهی و شناخت دقیق از «داده‌هایی» که وارد سیستم محیط پیرامونی ایران می‌گردد، موجب می‌شود تا به این قابلیت و توانایی دست یابیم تا در مقابل تغییرات محیط امنیتی کشور، ضمن آمادگی مواجهه با آن‌ها، ابتکار عمل لازم را برای تبدیل تهدیدات به فرصت‌ها یا حداقل تعدیل قابل توجه تهدیدات در دست داشته باشیم. روی الیسون و لنا جانسون در کتاب خود با عنوان: امنیت در آسیای مرکزی چارچوب نوین بین‌المللی، دفتر مطالعات وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۸۲ با استفاده از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی به حضور قدرت‌های بزرگ در آسیای مرکزی اشاره دارد و بیان می‌کند که جذابیت‌های این منطقه باعث توجه قدرت‌ها به این منطقه شده و خواهد شد. بو رتسف، سرگی نیکلایویچ در کتاب خود با عنوان: ایران عامل تأثیرگذار بر روابط متقابل ایالات متحده و روسیه در آسیای مرکزی، Mockva – 2014، با استفاده از روش تحقیق تحلیلی-تاریخی بیان می‌کند که تنظیم روابط با قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای از جمله روسیه در آسیای میانه یکی از موضوعات مهم در روابط خارجی ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بوده است. چراکه روسیه، آسیای میانه را حوزه منافع خود تلقی می‌کند و سیاست دیگر قدرت‌های منطقه و فرا منطقه‌ای در آن را با حساسیت دنبال می‌کند. آ.گ. زادوخین در کتاب خود با عنوان: سیاست خارجی روسیه؛ خودآگاهی و منافع ملی، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، تهران، ۱۳۸۴ و روش تحقیق تحلیل-تاریخی به این نتیجه می‌رسد که سیاست خارجی روسیه در جهت فعال تر کردن جهت‌گیری به سوی آسیای مرکزی، با رسیدن ولادیمیر پوتین به مقام ریاست جمهوری فدراسیون روسیه آشکار شد و تاکتیک دیپلماسی روسیه نیز تغییر کرد است.

تغییر رویکرد سیاست خارجی ایالات متحده در آسیای میانه و مدل مفهومی آن

آسیا همانند دیگر مناطق جهان از اهمیت و حساسیت خاصی برخوردار است. تفاوت این منطقه با دیگر مناطق جهان در این است که با توجه به رشد سریع اقتصادهای منطقه، برخورداری از منابع طبیعی، ائتلاف روسیه و چین در قالب شانگهای و مخالف با هژمونی و نظام تک‌قطبی ایالات متحده و برخورداری از نقش بسیار مهم و روبه رشد آن در معادلات و رقابت‌های جهانی، در حال تبدیل شدن به یکی از مهم‌ترین مراکز ثقل استراتژیک جهانی است. این منطقه بر مبنای

۱۴۴ فصلنامه امنیت ملی، سال هفتم، شماره بیست و سوم، بهار ۱۳۹۶ —————*

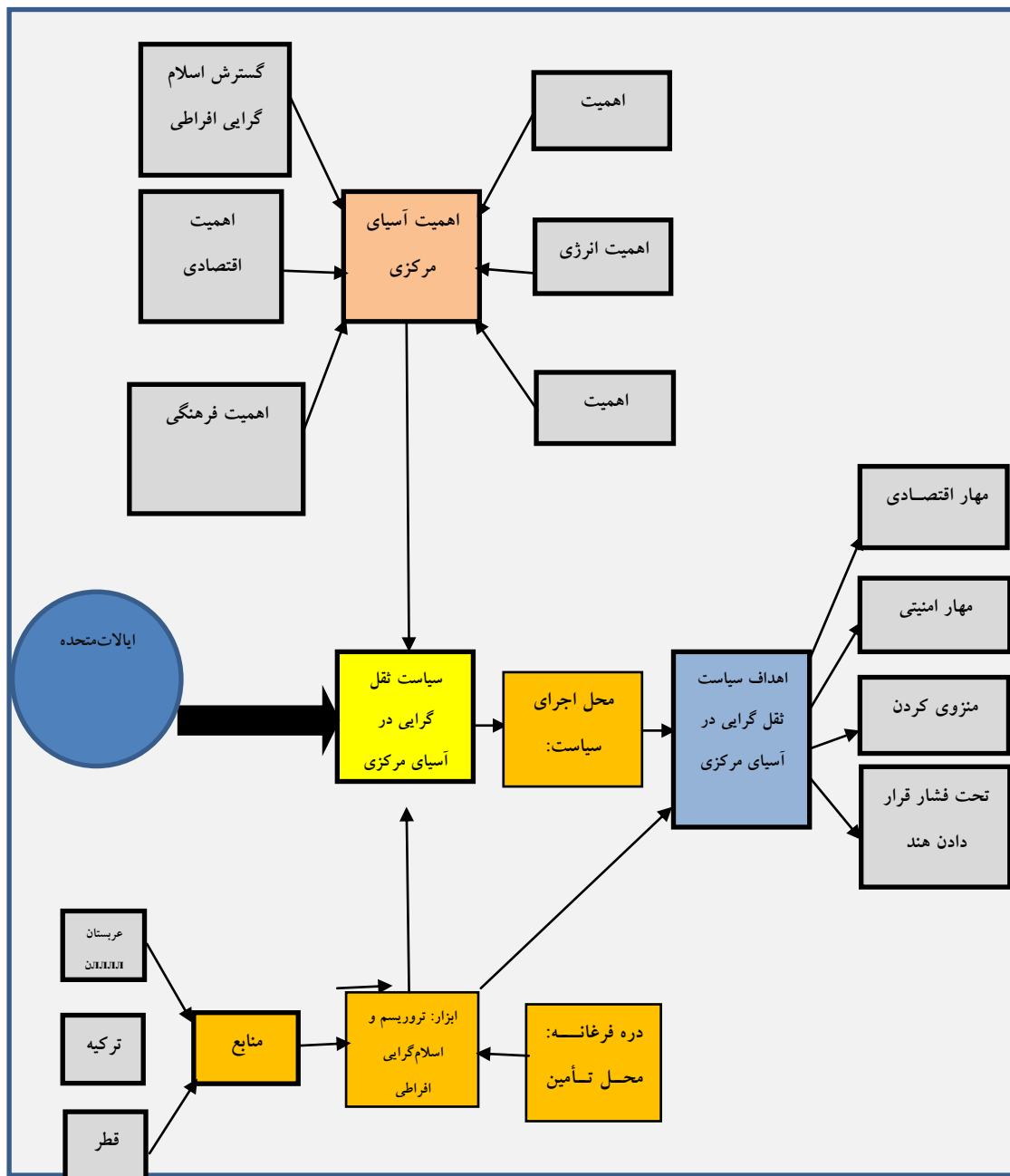
ویژگی‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی آن محل تلاقی سیاست قدرت‌های بزرگی چون ایالات متحده، چین، هند و روسیه در کنار برخی نیروهای دیگر همچون مجموعه کشورهای آسه آن، شانگهای و بریکس است. ظرفیت عظیم اقتصادی منطقه همراه با توان فناوری و نظامی، قدرت فوق‌العاده مالی و زمینه‌های سیاسی و فرهنگی و اجتماعی آن چشم‌انداز روشنی را برای آینده منطقه فراهم نموده است. اصطلاح استراتژی بازگشت به آسیا میانه به این معناست که ایالات متحده به دنبال حفظ و تقویت موقعیت رهبری خود در این منطقه است که از آن، به تغییر رویکرد سیاست خارجی ایالات متحده در آسیای میانه تعبیر می‌شود. (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۱-۲). ایالات متحده در این سیاست به دنبال حفظ و تقویت موقعیت رهبری خود در بازگشت به دو منطقه استراتژیک، پاسیفیک و آسیای مرکزی است که در سال‌های اخیر به آن‌ها توجه چندانی نداشته است، اکنون می‌تواند با بازگشت به آن‌ها سنگینی بحران مالی اخیر را تا حدودی کاهش دهد، لذا «بازگشت به آسیا» به‌عنوان اولویت سیاست خارجی ایالات متحده در حال حاضر است (Ming TeHsien, 2011:4). اهداف تغییر رویکرد سیاست خارجی ایالات متحده به سوی آسیای میانه به این صورت است: (اول) منطقه آسیا و آسیای مرکزی از نظر استراتژیک مهم‌ترین نقطه و کانون شکل‌دهنده مناسبات آینده جهانی است. (دوم) ایالات متحده به اندازه کافی نسبت به مسائل استراتژیک این منطقه توجه نداشته و باید از توجه بر سایر مناطق کم کند و بر این منطقه تمرکز کند. (سوم) آن‌که تمرکز بر آسیا به معنی کم شدن سطح درگیری ایالات متحده در منطقه خاورمیانه است. (چهارم) اهمیت یافتن بیشتر آسیا در معادلات قدرت و ثروت جهانی و درگیر شدن ایالات متحده در این منطقه است. (سجادپور، ۱۳۹۱: ۱-۳).

دیوید هلد و آنتونی مک گرو^۱ با تأکید بر بعد نظامی و امنیتی جهانی، اعتقاد دارند که عوامل زیر، ماهیت نظام بین‌المللی فعلی را روشن می‌سازد. (الف) در سطح جهانی و در بسیاری از نقاط دنیا تمایل فزاینده برای ایجاد ترتیبات همکاری دفاعی یا ترتیبات همکاری امنیتی مشاهده می‌شود، به گونه‌ای که تعداد این ترتیبات و نهادها روبه افزایش است. (ب) روبه‌روز تهدیدات بیشتری متوجه امنیت ملی کشورها می‌شود که صرفاً ماهیت نظامی ندارند. تهدیدات ناشی از گسترش فناوری‌های دانش تولید و تکثیر تسلیحات کشتار جمعی، تهدیدات زیست‌محیطی، تروریسم، گسترش افراط‌گرایی موارد برخی از آن‌ها هستند. (درویشی، ۱۳۸۴: ۴-۵).

¹ - David Held and Anthony McGraw

تغییر رویکرد سیاست خارجی امریکا در آسیای میانه و تأثیر آن بر محیط امنیتی ج.ا.ا. ۱۴۵۵

شکل ۱: مدل مفهومی تغییر رویکرد سیاست خارجی ایالات متحده در آسیای میانه



۱۴۶ فصلنامه امنیت ملی، سال هفتم، شماره بیست و سوم، بهار ۱۳۹۶ —————*

در راستای بحث دیوید هلد و آنتونی مک گرو بایستی تأکید داشت که ماهیت تهدیدات و آسیب‌پذیری‌های امنیتی در محیط راهبردی امنیت بین‌الملل طی مقطع اخیر دستخوش تحولات و تغییرات قابل توجهی شده است به گونه‌ای که درک راهبردی نخبگان عرصه امنیت بین‌الملل از چیرگی این تهدیدات، تغییر بنیادین یافته است. و این تغییر بنیادی بر آسیای میانه تأثیر گذاشته و حائز اهمیت ساخته است:

اهمیت اقتصادی: در تفاوت دو مفهوم [ژئوپلیتیک و ژئواکونومی] بایستی بیان کرد که: اول؛ ژئواکونومی محصول دولت‌ها و شرکت‌های بزرگ تجاری با استراتژی‌های جهانی است در حالی این خصیصه در ژئوپلیتیک نیست. دوم، اینکه هدف اصلی ژئواکونومی کنترل سرزمین و دستیابی به قدرت فیزیکی نیست بلکه دست یافتن به استیلای تکنولوژی و بازرگانی است (عزتی، ۱۳۸۸: ۱۱۲). در دهه پایانی قرن بیستم و با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی نظم ژئوپلیتیکی جدیدی در عرصه روابط بین‌الملل ظاهر شد پایان جنگ سرد، باعث تغییر و جابجایی در گفتمان جهانی آن از ژئواستراتژیک به نفع گفتمان ژئواکونومیک شد و اقتصاد کروی (جغرافیایی) و مسائل مربوط به امنیت آن، از جایگاه بالاتری در مناسبات بین‌المللی و رقابت‌های ژئوپلیتیکی برخوردار شد. به‌طور مشخص ملاک قدرت در قرن بیست و یکم، توانمندی‌های اقتصادی در سطح بین‌المللی و کنترل نظام تولید، عرضه و مصرف کالاهای اقتصادی است؛ بنابراین، ژئواکونومی، اثرگذاری عوامل یا زیربناهای اقتصادی در محیط کشوری، منطقه‌ای و جهانی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و رقابت‌های قدرتی و اثرگذاری این عوامل در ساختار شکل‌گیرنده منطقه‌ای یا جهانی را مورد مطالعه قرار می‌دهد (مجتهدزاده، ۱۳۸۶: ۱۳۰).

از این رو، در مطالعات ژئوپلیتیکی، مناطق ژئواستراتژیک منطبق با قسمت‌هایی است که منابع سرشار انرژی دارند؛ به همین علت، مناطق خاورمیانه و آسیای مرکزی، به‌ویژه حوزه خلیج فارس و دریای خزر به علت در اختیار داشتن بیشترین مقدار منابع انرژی جهان (نفت و گاز)، نقش ژئواکونومیک ویژه‌ای در قرن بیستم بازی کرده‌اند و در قرن بیست و یکم ادامه خواهد کرد. قرن بیست و یکم، پدیده‌های ژئواکونومیک، به‌جای توجیه نظامی و سیاسی قلمروهای استراتژیک بر توجیه اقتصادی و نظامی تأکید کرد و با فروپاشی شوروی در دهه‌ی ۱۹۹۰ م. برژینسکی در مقاله‌ای تحت عنوان ژئواستراتژی از راه «ژئواکونومی» به ژئوپلیتیک اقتصادی پرداخت و از آن به

————— ✦ تغییر رویکرد سیاست خارجی آمریکا در آسیای میانه و تأثیر آن بر محیط امنیتی ج.ا.ا. ۱۴۷۵:۱.۱
بعد ژئوپلیتیک دریای خزر و منطقه‌ی آسیایی مرکزی اهمیت ژئواکونومی پیدا کرد.
(مجتهدزاده، ۱۳۸۶: ۵۴).

اهمیت فرهنگی: جوزف نای در کتاب خود تحت عنوان قدرت نرم؛ ابزاری برای موفقیت در سیاست جهانی به این موضوع اشاره می‌کند که قدرت نرم یک کشور در مقابل قدرت سخت قرار می‌گیرد و برخلاف قدرت سخت که بر اجبار و زور متکی است، قدرت نرم بر اقناع تأکید دارد و درصدد جذب دیگران از طریق جذابیت است. در واقع قدرت نرم همان جذابیت کشور در نگاه دیگران است (نای، ۱۳۸۷: ۱۰۰-۱۰۳).

از آنجاکه قدرت نرم با به‌کارگیری ابزارهایی چون فرهنگ، ایدئولوژی، آرمان و یا ارزش‌های اخلاقی به صورت غیرمستقیم بر منافع و یا رفتار دیگر کشورها و جوامع تأثیر می‌گذارد بنابراین موفقیت در کاربرد ابعاد نرم‌افزاری قدرت از سوی دولت‌ها با توجه به شرایط و ویژگی‌های فرهنگی، مذهبی، سیاسی و اجتماعی هر منطقه و کشور متفاوت می‌باشد. (بخشی، ۱۳۹۱: ۱-۵).
با فروپاشی شوروی و ظهور استقلال جمهوری‌های مستقل مشترک‌المنافع در سال ۱۹۹۱، منطقه قفقاز و آسیای مرکزی، توانایی مجدد در ایجاد ارتباط در زمینه‌های مختلف سیاسی، امنیتی، اقتصادی و به‌ویژه فرهنگی با همسایگان و سایر قدرت‌های فرا منطقه‌ای یافت.

اهمیت جاده ابریشم: یکی از مهم‌ترین شاهراه‌های ارتباطی - تاریخی میان تمدن‌های کهن که در تأثیرات متقابل تمدن‌ها و فرهنگ‌های گوناگون در طول تاریخ نقش به‌سزائی داشته است، جاده ابریشم بوده است. (Zekrgoo, 1995:179-197).

ابریشم هرچند نامی است به قدمت یک قرن بر این جاده، اما این مسیر ارتباطی دارای پیشینه‌های بسیار کهن است. در عصر حاضر نیز تا پیش از سال ۱۹۹۱ میلادی فقط سه کشور ایران، ترکیه و پاکستان اعضای سازمان همکاری‌های اقتصادی (ECO) را تشکیل می‌دادند ولی پس‌ازاین سال تعدادی کشورهای تازه استقلال‌یافته از جمله کشورهای واقع در مسیر جاده ابریشم به عضویت این سازمان درآمدند، این موضوع خود نشانگر اهمیت این جاده می‌باشد. با توجه به این موضوع، تکمیل خط راه‌آهن در مسیر جاده ابریشم ضروری به نظر می‌نمود که با احداث خط راه‌آهن مشهد - سرخس - تاجن این عمل انجام‌شده و جاده باستانی و طلایی ابریشم عملاً احیا گردید. نظر به اینکه بخش اعظمی از این مسیر از ایران عبور می‌کند، این کشور نقش به‌سزایی در ارتباطات کشورهای همسایه خود خواهد داشت. لذا آمریکایی‌ها در قالب تغییر رویکرد سیاست خارجی

۱۴۸ فصلنامه امنیت ملی، سال هفتم، شماره بیست و سوم، بهار ۱۳۹۶ —————*

خود در قالب اهمیت فرهنگی منطقه آسیای میانه دو استراتژی در ارتباط با جاده ابریشم در پیش گرفته‌اند: اول: کاهش اهمیت تاریخی-فرهنگی جاده ابریشم و کاهش نفوذ تمدن‌های واقع شده در مسیر یک جاده خصوصاً کاهش وجه فرهنگی-تاریخی ایران دوم: آمریکا از جمهوری‌های سابق شوروی دعوت می‌کند تا زیر نظر آمریکا و در ارتباط با صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، به ایجاد بازار آزاد و تشکیل حکومت‌های آزاد اقدام نمایند که این امر محرک اساسی برای سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی و رشد تجارت و دیگر مبادلات بازرگانی خواهد بود. جاده ابریشم جدید آن‌طور که کنگره آمریکا در نظر دارد، منطقه ای است که از دریای سیاه تا مرزهای چین امتداد پیدا می‌کند و هشت جمهوری سابق شوروی را در برمی‌گیرد. بر اساس استراتژی جاده ابریشم واشنگتن مسئولیت خود می‌داند که ثبات سیاسی این منطقه شکننده را در برابر فشارهای، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی که از جانب شمال و شرق به آن وارد می‌شود تأمین کند.

اهمیت تاریخی - دینی: آسیای میانه محل تلاقی آسیا و اروپا است. منطقه آسیای میانه به‌عنوان منطقه هم‌مرز با کشور جمهوری اسلامی ایران، به جهان اسلام متصل است؛ علاوه بر آن این منطقه به علت هم‌مرز بودن با استان سین کیانگ، استان مسلمان‌نشین در غرب چین با جهان زردپوستان شرق آسیا و ادیان شرق آسیا متصل می‌گردد و به علت هم‌جواری با روسیه در شمال با جهان ارتدوکس اسلاوها همسایه است؛ از این رو، موقعیت ژئوکالچری آسیای مرکزی بسیار حائز اهمیت در راهبردهای جهانی به حساب می‌آید منطقه حائل میان چهار فرهنگ منطقه‌ای فرهنگ روسیه، فرهنگ چینی، فرهنگ ایرانی-اسلامی و فرهنگ هند است.

شانگهای و اهمیت آسیای میانه: علاوه بر اهمیت اقتصادی گروه بریکس یکی دیگر از سازمان‌ها که دارای اهمیت جهانی است و خود بر اهمیت محیط امنیتی آسیای مرکزی افزوده است سازمان شانگهای است این سازمان به دلایل زیر دارای ابعادی بین‌المللی است. جهانی شدن و افزایش ائتلاف‌ها، ظرفیت‌های سازمان همکاری شانگهای، اهمیت ژئوپلیتیکی، پتانسیل گسترش، قابلیت اقتصادی و سیاسی، توانمندی‌های هسته‌ای و پتانسیل انرژی.

اهمیت ژئوپلیتیک آسیای مرکزی: به لحاظ موقعیت جغرافیایی، آسیای مرکزی در حدفاصل اروپا در غرب، آسیا در شرق، روسیه در شمال و جهان اسلام در جنوب قرار گرفته است. کشورهای این

—————+ تغییر رویکرد سیاست خارجی امریکا در آسیای میانه و تأثیر آن بر محیط امنیتی ج.ا.ا. ۱۴۹۵:۱۱

منطقه محصور در خشکی هستند (عدم دسترسی به دریای آزاد) و تنها به واسطه‌ی خاک کشورهای هم‌جوار به آب‌های آزاد دسترسی دارند. منطقه آسیای مرکزی دومین ذخایر انرژی دنیا (نفت و گاز) را در بردارد. علاوه بر این، تعداد زیادی از معادن فلزهای کمیاب مثل طلا، مس، اورانیوم و فلزات سنگین در این منطقه واقع شده‌اند. این منطقه در محل برخورد و تقاطع فرهنگ‌های شرق و غرب، از جمله فرهنگ ترکی و اسلامی-فارسی و از نظر تاریخی در مسیر جاده‌ی ابریشم، قرار گرفته است. آسیای مرکزی تنها نقطه‌ای از جهان است که ۴ قدرت هسته‌ای (روسیه، چین، هند و پاکستان) را به هم متصل می‌کند. این منطقه دارای بازار مصرف ۶۳-۶۶ میلیون نفری است و وجود گروه‌های قومی و اختلافات ارضی و مرزی متعدد، این منطقه را به منطقه‌ای بی‌ثبات تبدیل کرده است. (شیرازی و مجیدی، ۱۳۸۲: ۷-۸). باین‌حال شاید مهم‌ترین ویژگی ژئوپلیتیک آسیای مرکزی، پس از فروپاشی شوروی و به‌ویژه پس از حملات تروریستی یازده سپتامبر، تبدیل شدن این منطقه به عرصه رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای باشد. توضیح آنکه در این زیرسیستم منطقه‌ای به‌جز پنج کشور آسیای مرکزی (ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان، قزاقستان و ترکمنستان)، پنج قدرت منطقه‌ای (روسیه، ایران، ترکیه، هند و پاکستان) و سه قدرت فرا منطقه‌ای (ایالات متحده، اتحادیه‌ی اروپا و چین) به رقابت برای تأمین منافع خود مشغول هستند. (حافظ نیا و دیگران، ۱۳۸۶: ۹۱).

اهمیت انرژی آسیای مرکزی: منطقه آسیای مرکزی و قفقاز یکی از حوزه‌های مهم انرژی محسوب می‌شود. در سال ۲۰۰۹ میزان کل منابع نفتی و گازی حوزه‌ی دریای خزر شامل ۱۰۸.۶ میلیارد بشکه نفت و ۲۵.۸ تریلیون مترمکعب گاز برآورد شده است. علاوه بر این مجموع ذخایر نفتی تأیید شده برای کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز از ۱۵ تا ۳۱ میلیارد بشکه نفت و ذخایر گازی نیز از ۲۳۰ تا ۳۶۰ تریلیون مترمکعب است که این حجم از ذخایر به طور تقریبی ۲۷٪ ذخایر نفتی دنیا و ۷٪ ذخایر گازی را شامل می‌شود (Amy Myers Jaffe, 1998:2)، همچنین آژانس بین‌المللی انرژی تخمین زده که منطقه دریای خزر ۳.۵ درصد منابع نفتی ثابت شده جهان را در خود جای داده است. اگرچه منابع ناشناخته هم هنوز باقی مانده اند که در کل ۵ درصد می‌شوند. بیشترین حجم منابع در قزاقستان و در رتبه بعدی آذربایجان و ترکمنستان قرار دارد. در طی ۱۵۰ سال گذشته بیشترین برداشت و استخراج از منابع جنوب خزر صورت گرفته است. در میان کشورهای منطقه نیز قزاقستان، دارای بالاترین ذخایر انرژی است. آمار ذخایر این کشور بین ۱۰ تا

۱۵۰ فصلنامه امنیت ملی، سال هفتم، شماره بیست و سوم، بهار ۱۳۹۶ —————*

۲۲ میلیارد بشکه نفت خام و ۵۳ تا ۸۳ تریلیون مترمکعب گاز است که از لحاظ ذخایر نفتی در ردیف کشورهای ایالات متحده، نروژ و لیبی محسوب می‌شود. افزون بر این آمار، طبق پیش‌بینی آژانس بین‌المللی انرژی، تولیدات نفتی خزر از ۲.۹ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۰۹ تا ۵.۴ میلیون در نیمه آخر ۲۰۲۰ خواهد رسید (Petersen & Barysch, 2011: 22) همچنین میزان منابع انرژی ثابت شده در کشورهای آذربایجان، قزاقستان، ترکمنستان و ازبکستان در سال‌های پس از ۱۹۹۱ افزایش یافته است و این روند در پایان سال ۲۰۱۱ افزایش چشمگیری را تجربه کرده است. به صورت کلی می‌توان گفت در کمترین تخمین ۱۷.۲ (BP, 2010) و در بیشترین تخمین 49.7 میلیارد بشکه ذخایر شناخته شده یا 5 درصد از کل ذخایر جهانی نفت و 6.65 تریلیارد مترمکعب یا ۳.۸ درصد از کل ذخایر جهانی گاز را دارد. (IEA, 2011(a); BP, 2010).

رشد سریع اسلام‌گرایی افراطی (وهایی) در آسیای مرکزی

در حقیقت، فروپاشی شوروی نه تنها باعث استقلال پنج جمهوری آسیای مرکزی شد، بلکه اسلام را از ایمان اقلیت (به سبب عدم امکان بروز تمام و کمال در دوره شوروی) به ایمان اکثریت تبدیل کرد. این حقیقت که دین می‌تواند به عنوان عنصری قوی در هویت سیاسی در نظر گرفته شود، مانند ملی‌گرایی به عنوان ویژگی بارز سیاست خارجی در روابط بین‌الملل معاصر در آسیای میانه مدنظر قرار گرفت (عزیزی، ۱۳۹۱: ۳-۱۲). اسلام‌گرایان افراطی نیز با بهره‌گیری از شرایط موجود در منطقه و طرح شعارهایی همانند اعتقاد به خدا، پیروی اسلام رادیکال و سرکوب دشمنان از طریق جهاد، استفاده کرده و اعتقاد دارند که تنها حکومت اسلام رادیکال می‌تواند برای مردم عدالت ایجاد کند و همه مشکلات را حل نماید. لذا اسلام‌گرایی افراطی خطری جدی برای منطقه تلقی می‌گردد و هم‌زمان با پیدایش کشورهای تازه استقلال یافته آسیای مرکزی برخی نظریه‌پردازان اعتقاد دارند که این منطقه موطن توسعه «ایدئولوژی پان‌اسلامیسم»، یا «اسلام افراطی»، خواهد شد.

اهداف سیاست «ثقل‌گرایی آسیایی»

مهار اقتصادی چین: با رشد سریع چین در زمینه اقتصادی و نظامی قدرت نرم چین به‌طور قابل توجهی افزایش پیدا کرده است؛ که قادر است کل نقاط جهان را تحت سیطره و پوشش خود قرار دهد. همچنان که مفسری به نام یان گونگ هانگ^۱ بحث می‌کند، رشد چین تنها بر اساس

¹.Yanghong Huang

————— ✦ تغییر رویکرد سیاست خارجی امریکا در آسیای میانه و تأثیر آن بر محیط امنیتی ج.ا.ا. ۱۵۱۰

قدرت سخت نیست، بلکه بر اساس همکاری و توسعه قدرت نرم است (Shambaugh, 2005). به همین دلیل ایالات متحده به چین به عنوان یک رقیب اقتصادی در قرن بیست و یکم که هم از حوزه قدرت سخت و هم از حوزه قدرت نرم توانایی به خطر انداختن برتری ایالات متحده در جهان را دارد می نگردد. چراکه چین اعتقاد دارد که پرداخت هزینه کمتر در زمینه‌های بیرونی به معنای سرمایه‌گذاری بیشتر در زمینه‌های داخلی است که در بلندمدت به ابرقدرتی اقتصادی می‌انجامد. نگاه غیر چالشگرانه چین که ابرقدرتی اقتصادی را در افق برای آن کشور ترسیم می‌کند، فراهم آورنده محیط امن بین‌المللی برای چین است؛ بر همین اساس چین راهبرد منطقه‌ای و جهانی خود را ادامه خواهد داد و به دنبال یک محیط مساعد برای توسعه صلح‌آمیز است (Zheng&Tok, 2005: 11-12). همان چیزی که پکن در پی آن است. روشن است که کارکردگرایی حساب‌شده چینی‌ها، گزینه یکه‌تازی و توسعه‌طلبی را در چشم ایالات متحده گیراتر می‌کند. به همین دلیل یکی از مهم‌ترین اهداف سیاست خارجی خود را در منطقه آسیای مرکزی مهار و کنترل چین قرار داده است.

مهار امنیتی روسیه: رأس دیگر این تغییر گفتمان روسیه است. روسیه که علاوه بر برخورداری از قدرت نظامی بالا که توانایی هدف قرار دادن ایالات متحده را داراست، باروی کار آمدن پوتین تغییرات اساسی در سیاست خارجی خود به وجود آورده، از جمله: گسترش قدرت روسیه و تلاش جهت تبدیل آن به عنوان یک قدرت جهانی، توجه ویژه به منطقه آسیای مرکزی و قفقاز به عنوان خارج نزدیک^۱ افزایش نقش ایران در سیاست‌های منطقه‌ای روسیه. در این باره روس‌ها اعتقاد دارند که روابط ایران و روسیه باید از حالت شراکتی خارج شده و حالت استراتژیک و راهبردی به خود گیرد (Дунаева Е.В. 2012 с.75-76). در تائید مطالب فوق روس‌ها اعتقاد دارند که «از جمله منافع روسیه، نه تنها حفظ روابط دوستانه کنونی با ایران بلکه عملی کردن آن‌ها در سطوح واقعی و تقویت یک رابطه شایسته مبتنی بر واقع‌گرایی در قرن بیست و یکم است» (Иванов 2014.с.2-10) و در نهایت گسترش روابط اقتصادی-امنیتی با چین و همکاری این دو کشور در پایه‌گذاری سازمان شانگهای و مخالف آن‌ها با یک‌جانبه‌گرایی ایالات متحده، این عوامل باعث افزایش نقش منطقه‌ای و بین‌المللی روسیه گردید است و ایالات متحده به شدت از این موضوع احساس خطر می‌کند. لذا در صدد است تا با بهره‌گیری از گروه‌های تروریستی در آسیای

^۱ Near Abroad

۱۵۲ فصلنامه امنیت ملی، سال هفتم، شماره بیست و سوم، بهار ۱۳۹۶ —————*

میانه و مسلمانان ساکن در قلمرو روسیه از جمله اقلیت چچنی که در کوتاه مدت می‌توانند دغدغه‌های امنیتی زیادی برای روسیه به وجود آورند بهره‌برداری نماید.

لذا ایالات متحده جهت تحقق اهداف فوق سعی در ایجاد جنگ نیابتی از طریق گروه‌های تکفیری و تروریستی، برای هدف قرار دادن ایران دارد. این موضوع از دو جنبه قابل بررسی است. نکته اول: تلاش برای درگیر کردن ایران در جنگ فرسایشی در مرزهای شرقی و شمالی خود. این اقدام هم‌زمان با تحرکات مرزی مشکوک در مرزهای جنوب شرقی و غربی ایران قابل مشاهده است. نکته دوم: رفع نگرانی ایالات متحده از سیاست موفق ایران در تعامل با افغانستان و کشورهای حوزه آسیای مرکزی است.

تحت فشار قرار دادن هند: علاوه بر چین، در سیاست ثقل گرایی آسیایی به هند به‌عنوان یکی دیگر از قدرت‌های منطقه‌ای که طمع و حس اعمال قدرت و برتری آمریکا را برمی‌انگیزد اشاره شده است. هانتینگتون بر این باور است که نگاه هندی‌ها و دیگر قدرت‌های منطقه‌ای به آمریکا نگاهی پر از تهدید و بی‌اعتمادی است. افغانستان در مجاورت کشمیر مسلمان‌نشین است. ضمن اینکه هندی‌ها با کشمیری‌ها مشکلاتی دارند، هند خود نیز به لحاظ قومی منسجم نیست (<http://www.askquran.ir>). می‌توان گفت از میان اقوامی که حاضر به کارزار با نیروهای دولتی هند باشند تنها مسلمانان هستند. لذا اگر به جنگ جویان کشمیر کمک مالی و نظامی شود ممکن است بحرانی طولانی مدت در شبه‌قاره هند به وجود آید. افغانستان بهتر از پاکستان می‌تواند عهده‌دار این نقش باشد؛ چراکه پاکستان به دلیل مرز طولانی و همسایگی با هندوستان خود را در معرض تهدید و انتقام‌جویی این کشور می‌بیند. لذا پاکستان دارای محدودیت است ولی نیروهای کشمیری می‌توانند در افغانستان پایگاه داشته باشند و از حمایت مجاهدان افغانی برخوردار باشند. و با این روش نظامی - سیاسی، هند تحت فشار قرار خواهد گرفت و برای ورود به جرگه ابرقدرت‌ها و رقابت با سایر قدرت‌های جهانی با مشکلات فرسایشی مواجه خواهد شد.

افغانستان مرکز ثقل اجرای اهداف سیاست خارجی ایالات متحده در آسیای میانه: افغانستان به دلایلی از جمله اهمیت ژئوپلیتیک افغانستان در آسیای میانه و موقعیت جغرافیای افغانستان با کشورهای مذکور به‌عنوان مرکز ثقل سیاست تغییر گفتمان از **خاورمیانه محور** به **آسیا محور** در نظر گرفته شده است؛ چراکه افغانستان در مجاورت و نزدیکی چهار کشور چین، هند، ایران و روسیه (از طریق آسیای میانه)، قرار دارد. لذا دارای موقعیت ژئوپلیتیکی و نظامی مهمی است. از

————— ✦ تغییر رویکرد سیاست خارجی امریکا در آسیای میانه و تأثیر آن بر محیط امنیتی ج.ا.ا. ۱۳۹۱. ۱۵۳

مناطق شمال شرق افغانستان به ایغورستان و سینگیانگ چین راه های زمینی وجود دارد که به علت کوهستانی و صعب العبور بودن آن برای فعالیت های چریکی و بنیادگرایانه بسیار مناسب است.

تروریسم و افراط گرایی اسلامی، ابزار سیاست خارجی ایالات متحده: ابزار مورد نیاز جهت تحقق اهداف سیاست ثقل گرایی آسیا نیز بهره گیری از تروریسم و گروه های افراط گرای اسلامی از جمله داعش و گروه النصره است. لذا ایالات متحده سعی در فعال کردن گروه های تروریستی در این منطقه است. تا (۱) توجیهی برای تمدید حضور نظامی و امنیتی ایالات متحده در افغانستان به شمار آید، (۲) ایران را درگیر جنگ فرسایشی در مرزها خود نماید. (۳) نهادینه سازی استراتژی هرج و مرج فعال در حیات خلوت قدرت های بزرگ آسیای شرقی نظیر روسیه، چین و هند یا به عبارت دیگر مهار روسیه در بعد امنیتی و مهار چین در بعد اقتصادی و تحت فشار قرار دادن هند را عملی نماید. لذا واشنگتن به دنبال فعال نمودن و ایجاد کانون های تازه تروریسم در آسیای میانه و تشدید آن در افغانستان است. (<http://www.khabarnegar.ir/News/2420.html>).

عربستان، قطر و ترکیه، حامیان مالی: سیاست تغیر گفتمان از خاورمیانه محوری به آسیا محوری نیازمند حامیان مالی قدرتمندی است که با توجه به بحران های اقتصادی اخیر جامعه ایالات متحده و نارضایتی مردم از افزایش مالیات ها دست اندرکاران این سیاست در پی حامیان مالی جدیدی برای اعمال سیاست خود برآمدند. لذا متحدان خاورمیانه ای ایالات متحده از جمله عربستان، قطر، ترکیه و پاکستان به عنوان این حامیان در نظر گرفته شده اند. با نگاهی به چهار سال گذشته می توان به خوبی دریافت که قطر، عربستان سعودی و ترکیه از بزرگ ترین حامیان مالی گروه های تروریستی و تکفیری به شمار می روند. در همین ارتباط نشریه ایتالیایی فورمیکا به کمک های مالی خارجی به تروریست های داعش اشاره کرده و می نویسد: تجار ثروتمند قطری به طور غیرمستقیم و به نمایندگی از دولت این کشور اقدام به اعطای کمک های مالی به گروه های تکفیری و تروریستی می کنند. از جمله این تجار می توان به «عبدالرحمن النعیمی»^۱ اشاره کرد که ماهانه ده ها میلیون دلار

^۱ - Abdul Rahman al-Naimi

۱۵۴ فصلنامه امنیت ملی، سال هفتم، شماره بیست و سوم، بهار ۱۳۹۶

به تروریست‌های داعش در عراق کمک می‌کند (<http://www.irdc.ir>).



شکل ۲: جهت‌گیری و هدف سیاست نقل‌گرایی آسیایی

تغییر رویکرد سیاست خارجی ایالات متحده و تأثیر آن بر محیط امنیتی ایران

محیط‌های امنیتی به‌طور ماهوی «متعدد، متحول و درهم‌تنیده هستند و رسیدن به تصویری جامع از محیط امنیتی کاری بسیار دشوار و دیرپاب است» (افتخاری، ۱۳۸۷: ۵۲)، اما باین‌حال درک محیط امنیتی از عوامل مؤثر در تدوین استراتژی‌های امنیتی هر کشور به شماره می‌آید و جایگاه آن اجتناب‌ناپذیر است. (عصاریان نژاد، ۱۳۸۹: ۱۵۳-۱۸۷)؛ اما در بحث محیط امنیتی بایستی به این مسئله توجه کرد که محیط امنیتی دارای جوهره‌ای چالشی بوده و گستره و عمق آن در معرض تغییر است و کشورها سعی دارند تا فضای امنیتی خود را در آن محیط تعریف نموده و عمق محیط امنیتی رقبای خود را محدود نمایند. (همان منبع صفحه ۱۸۹-۱۸۰) لذا ضرورت توجه به تعریف جدید از محیط امنیتی متناسب با تغییرات سریع عصر جهانی باعث شده تا محیط امنیتی ایران در

—————* تغییر رویکرد سیاست خارجی آمریکا در آسیای میانه و تأثیر آن بر محیط امنیتی ج.ا.ا. ۱۳۸۵

آسیای میانه نیازمند بازتعریف بر اساس عمق استراتژیک خود باشد. تحولات جهانی و پیامدهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی آن، قدرت‌های بزرگ و کوچک را به میزان متفاوت تحت تأثیر خویش قرار داده است. تغییر رویکرد سیاست خارجی ایالات متحده در آسیای میانه محیط امنیتی آن را دچار تغییر و تحول خواهد نمود از این رو جمهوری اسلامی ایران ضمن بازتعریف خود از محیط امنیتی منطقه روابط سیاسی و دیپلماتیک خود با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز را بیشتر نموده و به عنوان یک قدرت تأثیرگذار و بانفوذ در منطقه در تحولات بین‌الملل نقش اساسی ایفا می‌کند. آنچه برای ایران بیش از هر چیز اهمیت می‌یابد، تلاش ایران در جهت پیوستن به مجموعه‌های امنیتی منطقه از جمله تمایل به عضویت در شانگهای در جهت ایجاد و تحکیم ثبات در محیط امنیتی خویش است، زیرا محیط امنیتی ایران، همپوشانی‌های بسیاری با محیط امنیتی سایر اعضای آن دارد؛ لذا ایران در منطقه به روسیه و چین بیش از پیش نزدیک شده و این موضوع به ایران در جهت دستیابی به اهداف سیاسی و اقتصادی‌اش کمک اساسی می‌کند، منجر به ایجاد تعادل در محیط و ثبات بیشتری در فضای امنیتی آن می‌شود، ایران تا حدودی از انزوای خارج می‌شود، قدرت ناتو و ایالات متحده تعدیل می‌گردد، ایران تا حدودی قدرت مانور پیدا خواهد کرد، کاهش هزینه‌های سیاسی و اقتصادی در هم سوئی منافع ایران با سازمان در بخش‌های مبارزه با تروریسم قاچاق و تولید مواد مخدر و تجزیه طلبی، گسترش اعتماد و حسن نیت و همکاری و ارائه چهره‌ای دوستانه و مثبت از جمهوری اسلامی ایران در نظر دولت مردان آسیای مرکزی و در نهایت تحکیم همکاری‌ها میان گروه کشورهای فارسی‌زبان و تحکیم پیوندهای سیاسی، امنیتی، نظامی و فرهنگی میان جمهوری اسلامی ایران و اعضای سازمان تقویت می‌شود (همان منبع صفحه ۲۰۵-۱۸۹). لذا در پرتو تغییر رویکرد سیاست خارجی ایالات متحده در آسیای میانه دو گونه فرض قابل طرح است: یکم: «تغییر رویکرد سیاست خارجی ایالات متحده در آسیای میانه باعث بی‌نظمی امنیتی و اختلاف در برخی از مناطق آسیا و برهم زنده توازن و تعادل در این منطقه می‌شود و این موضوع نزدیکی روابط ایران، روسیه، هند و چین در درک مشترک از تهدیدات مشترک در پی

۱۵۶ فصلنامه امنیت ملی، سال هفتم، شماره بیست و سوم، بهار ۱۳۹۶ —————*
خواهد داشت»، «از طرف دیگر با توجه به جهانی شدن تهدیدات و بخصوص تهدیدات تروریسم و گسترش اسلام‌گرایی افراطی در منطقه، استفاده ابزاری ایالات متحده از آن در راستای روبه‌رو کردن چهار کشور مذکور با چالش‌های امنیتی و تغییر فضای امنیتی آن سبب گسترش همکاری روسیه با ایران و چین شده و این موضوع باعث شکل‌گیری یک ائتلاف علیه تروریسم و به تبع آن ممکن است باعث شکل‌گیری به‌ساختار امنیتی منطقه‌ای به رهبری ایران و روسیه و همکاری چین در منطقه شود که محیط امنیتی منطقه را بازتعریف خواهد نمود».

نتیجه‌گیری:

محیط امنیتی آسیای مرکزی شاهد سه دوره متفاوت از فروپاشی شوروی تا زمان حاضر بوده است. اول: محیط امنیتی آن تا قبل از حادثه یازده سپتامبر است که این دوره به علت فقدان وجود ساختار امنیتی و نظامی، گسترش اختلافات قومی بعد از فروپاشی شوروی، اختلافات عرضی و مرزی، عدم پایداری به توافقات امنیتی، موجب گسترش اختلافات در این دوره شده است. این روند با جنگ داخلی تاجیکستان (و تلاش ایران در جهت خاتمه به این جنگ) تقریباً دچار ثبات نسبی گردید و تفکر امنیتی و بعضاً در قالب تفکر سیستمی امنیتی با همکاری همدیگر ظهور یافت و تأسیس سپاه صلح در تاجیکستان، تحقق یافت. روند رشد سریع اسلام‌گرایی با توجه به خلأ ناشی از فروپاشی شوروی بهانه‌های لازم در راستای تلاش‌های ایالات متحده و ناتو برای افزایش حضور در منطقه مهیا گشت و در قالب برقراری قراردادهای همکاری دفاعی و مانورهای نظامی مشترک انجام گرفت؛ اما به‌مرور دگرگونی‌هایی به وجود آمد و در سال‌های ۱۹۹۷ - ۱۹۹۸ ضعف نظام امنیت دسته‌جمعی هم‌زمان با بحران داخلی - اقتصادی در روسیه کاملاً مشهود بود و کشورهای آسیای مرکزی سیاست توجه به غرب را در دستور کار خود قرار دادند. هم‌زمان با این تغییر رویکرد در سیاست خارجی کشورهای منطقه آسیای مرکزی در مرکز ثقل سیاست خارجی ایالات متحده قرار گرفت و دولت ایالات متحده در سال ۱۹۹۷ استراتژی جدید خود را در رابطه با آسیای مرکزی اعلام کرد که شامل: تلاش و کمک به کشورهای منطقه در جهت کاستن از

————— ✦ تغییر رویکرد سیاست خارجی امریکا در آسیای میانه و تأثیر آن بر محیط امنیتی ج.ا.ا. ۱۵۷۴

وابستگی خود به روسیه، بهره‌برداری از منابع غنی منطقه، جلوگیری از گسترش نفوذ ایران و روسیه در منطقه و تحت نفوذ قرار دادن منطقه مذکور در حوزه «منافع استراتژیک» ایالات متحده بود. در مرحله دوم حادثه یازده سپتامبر وضعیت بین‌المللی و سیاست خارجی ایالات متحده را دچار تغییر و دگرگونی کرد و مبارزه با تروریسم به‌عنوان اولویت اصلی سیاست خارجی ایالات متحده تعریف گردید. با توجه به مشترک بودن تهدید تروریسم برای همه‌ی کشورهای منطقه و امنیت جهانی، تمام کشورها همگام با ایالات متحده در قالب «همکاری برای صلح» در کنار یکدیگر قرار گرفتند و صحنه بازی در افغانستان و آسیای مرکزی دچار تحولات اساسی شد و تأثیر این حادثه تا محیط امنیتی دریای خزر و قفقاز گسترش یافت. این چرخش در سیاست خارجی کشورها و روی آوردن به تشکیل ائتلاف بین‌المللی علیه تروریسم، پاکستان، عربستان و امارات را نیز که حامیان اصلی طالبان و القاعده بودند را با این جریان هماهنگ کرده، شناسایی خود از طالبان را پس گرفتند و به همکاری با ائتلاف ضد تروریسم که توسط ایالات متحده و برای سرکوب طالبان و القاعده درحالی‌که شکل‌گیری بود، پرداختند. ایران، روسیه، هند و کشورهای آسیای مرکزی نیز تلاش نموده با این جریان بین‌المللی همکاری نموده و خود را در مبارزه با جریان تروریسم جدی نشان، چراکه طالبان تهدیدی برای کل کشورهای منطقه بود و طبیعی بود که همگی آن‌ها خواستار از بین رفتن آن باشند. بدین ترتیب شرایط جهانی و منطقه‌ای دچار تحول اساسی شد و ما شاهد یک اجماع بین‌المللی علیه تروریسم هستیم؛ اما همکاری روسیه، چین، ایران و ایالات متحده در این محیط امنیتی چندان دوامی نیاورد و متأثر از تضاد ژئوپلیتیکی و تضاد منافع و مخالف چین و روسیه و ایران با نظام تک‌قطبی و هژمونی ایالات متحده محیط امنیتی آسیای مرکزی بار دیگر دچار تغییر و تحول اساسی شد. مرحله سوم: طی سال‌های اخیر و به‌ویژه پس از تلاش‌های ناکام غرب برای گسترش انقلاب‌های رنگین در منطقه، سوءظن‌ها نسبت به اهداف غرب در منطقه افزایش پیدا کرده و روس‌ها را متقاعد ساخت که برای حفظ منافع خود در آسیای مرکزی و قفقاز نمی‌توانند به همکاری‌های اروپا و ایالات متحده امیدوار باشند. در ارتباط با اروپا،

۱۵۸ فصلنامه امنیت ملی، سال هفتم، شماره بیست و سوم، بهار ۱۳۹۶ —————*

نیز نیاز این حوزه به انرژی و تأمین امنیت خطوط انرژی مهم ترین انگیزه و دلیل جلب توجه اتحادیه اروپا به آسیای مرکزی و قفقاز مورد ارزیابی قرار گرفت. عملکرد روسیه در استفاده از انرژی به مثابه یک ابزار سیاسی و یک اهرم فشار در برابر اروپا سبب شد تا اروپا نیز به سمت متنوع سازی مجاری تأمین انرژی در منطقه روی آورد. در چنین شرایطی کشورهای آسیای مرکزی نیز به دلایل داخلی و بین المللی برای جلب توجه کشورهای شرق و غرب و پیشی گرفتن از یکدیگر، وارد کارزار شدند تا تنور این رقابت را گرم تر کنند. همه این مسائل به همراه رشد سریع اقتصاد چین و تهدید آن برای اقتصاد ایالات متحده، پتانسیل هند از حیث اقتصادی و جمعیتی، شکل گیری سازمان بریکس، گسترش نقش سازمان شانگهای در روندهای منطقه ای و بین المللی، توانمندی های ژئوپلیتیکی و عمق استراتژیکی ایران (با تأکید بر پتانسیل های فرهنگی ایران در منطقه)، جایگاه ژئوپلیتیکی و اهمیت انرژی آسیای مرکزی و گسترش اسلام گرایی افراطی و رادیکال در منطقه باعث شد تا قدرت های غربی به رهبری ایالات متحده - ناتو - اتحادیه اروپا طرح جدیدی را برای محیط امنیتی آسیای مرکزی ارائه دهند که از آن به عنوان «تغییر رویکرد سیاست خارجی ایالات متحده در آسیای میانه»، نام برده می شود. این سیاست محیط امنیتی آسیای مرکزی را بشدت تحت تأثیر قرار خواهد داد.

پیشنادهای تحقیق:

با توجه به مشخص شدن محیط امنیتی آسیای مرکزی در قالب سیاست تغییر رویکرد سیاست خارجی ایالات متحده، ایران بایستی ضمن بازنگری و بازتعریف محیط امنیتی خود راهکارهای زیر را در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، امنیتی و فرهنگی در ارتباط با این سیاست از یک سو و با کشورهای منطقه و فرامنطقه ای از سوی دیگر به کار گیرد.

بعد سیاسی: (الف) خارج شدن سیاست خارجی ایران از فاز ایدئولوژیکی و در پیش گرفتن سیاست مبتنی بر واقع گرایی متناسب با واقعیت های منطقه و عمق استراتژیکی ایران. (ب) متقاعد کردن روسیه و چین به اهمیت همکاری راهبردی با ایران در تمام ابعاد و لحاظ نمودن ایران در

————— ✦ تغییر رویکرد سیاست خارجی امریکا در آسیای میانه و تأثیر آن بر محیط امنیتی ج.ا.ا. ۱۳۹۵: ۱۵۹

حل مسائل منطقه. (ج) گسترش روابط روسیه و ایران در تمام زمینه‌ها و بهر گیری از مؤلفه‌های راهبردی یکدیگر نه تنها در سطح منطقه بلکه در سطح بین‌المللی بایستی مدنظر دو طرف قرار گیرد. (د) اتخاذ سیاست‌های مبنی بر اینکه ایالات متحده و ناتو از یکسو و روسیه و کشورهای منطقه‌ای از سوی دیگر به این نتیجه برسند که حل بحران‌های منطقه‌ای بدون ایران ممکن نیست و حضور سازنده ایران می‌تواند به ایجاد ثبات و امنیت منطقه کمک کند. (ه) در نهایت ایران بایستی در صحنه دیپلماسی جهانی فعال‌تر از گذشته عمل کند و فاکتورهای مثبت خود را مطرح نماید

بعد امنیتی: (الف) بررسی علمی اثرات و عواقب تغییر رویکرد سیاست خارجی آمریکا بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. (ب) امنیت منطقه نباید صرفاً در حوزه نظامی تبیین شود بلکه باید سایر زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را در برگیرد. (ج) جمهوری اسلامی ایران ضمن شناسایی دقیق ماهیت حرکت‌های اسلامی (تکفیری و بنیادگرا) بایستی با همکاری با دولت‌های منطقه از شکل‌گیری یک جریان فکری، مذهبی و سیاسی در پرتو اندیشه‌های سلفی‌گری و وهابیت در مرزهای شمال شرقی ایران جلوگیری نماید. (د) ایران و روسیه باید حل و فصل مناقشات را در چارچوب منافع مشترک و ضرورت رسیدن به سازوکار تعاملی برای ثبات سازی و صلح، تعریف کنند.

بعد فرهنگی: (الف) اتخاذ رویکرد دیپلماسی فرهنگی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر مؤلفه‌های فرهنگی زیر (الف) قرار گرفتن تاجیکستان در حوزه فارسی‌زبانان ایران در دوران معاصر و حضور ده‌ها شاعر و نویسنده فارسی‌زبان در ازبکستان، (ب) نقش احیاء کننده فرهنگ و تمدن ایرانی در آسیای مرکزی، فراهم شدن فضای مناسب برای هم‌زیستی متقابل، رشد و توسعه و تحکیم فرهنگی. (ج) قرار گرفتن اقوام ایرانی، سغدیان، بلخیان و خوارزمیان، کاسپین‌ها، دهیوها، هیرکانی‌ها، تבורها؛ و از قوم‌های غیر ایرانی هیاطله‌ها (هفتالی‌ها و هون‌ها) در منطقه، (د) نقش سازنده زبان فارسی و شعر و ادب فارسی در ایران، تاجیکستان و افغانستان و دیگر کشورهای منطقه از جمله، محافل ادبی نظیر محیط ادبی تاشکند، محیط ادبی سمرقند، محیط ادبی

۱۶۰ فصلنامه امنیت ملی، سال هفتم، شماره بیست و سوم، بهار ۱۳۹۶ —————*

سرخان دریا، فرغانه، بخارا. (ه) اهمیت تاریخی زبان فارسی در زمینه‌های فرهنگی و فراوان بودن واژه‌های فارسی، در جهت ایجاد هم‌دلی و هم‌زبانی بین مردم این منطقه با ایران. (ی) فرهنگ غنی، تاریخ چند هزارساله، برخورداری از مشاهیر جهانی، آیین‌های سنتی جهانی، پتانسیل ژئوپلیتیکی باعث می‌شود تا ایران در سطح بین‌الملل فعال‌تر از گذشته و حال عمل کند لذا اتخاذ دیپلماسی فعال، صلح‌طلبانه و عاری از جنبه ایدئولوژیک بایستی راهبرد بعدی ایران باشد.

بعد اقتصادی: (الف) پیگیری منافع اقتصادی خود در منطقه متناسب با ظرفیت‌های داخلی و منطقه ایران در منطقه (ب) در بُعد ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیک و با توجه به برخورداری ایران از این دو پتانسیل، توانمندی‌های جمهوری اسلامی ایران در حوزه‌های مختلف اعم از صادرات و واردات حوزه انرژی (نفت و گاز)، حوزه فناوری، سدسازی، برنامه‌های اقتصادی می‌تواند برای کشورهای آسیای مرکزی حائز اهمیت باشد؛ (ج) ایران در قبال شانگهای و آسیای میانه می‌تواند با شناخت روندهای گوناگون اقتصادی و سیاسی و نظامی از یک‌سو و روندهای منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای از سوی دیگر به تنظیم شبکه‌ای از راهبردهای اقتصادی و سیاسی و فرهنگی در منطقه بپردازد.

تغییر رویکرد سیاست خارجی امریکا در آسیای میانه و تأثیر آن بر محیط امنیتی ج.ا.ا. ۱۶۱۰۱

منابع و مأخذ:

- ابراهیمی، شهروز (۱۳۹۰)، «نقش چین در خلیج فارس: امنیت و انرژی»، ماهنامه اطلاعات راهبردی، سال نهم، شماره ۹۶.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۷)، مقاله «تحلیل محیط امنیتی، رویکردی جامع»؛ کتاب: «محیط امنیتی پیرامونی جمهوری اسلامی ایران»، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بخشی، جواد، (۱۳۹۲)، بررسی زمینه‌های (فرصت‌های) قدرت نرم ایران در آسیای مرکزی و ارائه راهکارها، -IPSC مرکز بین‌المللی مطالعات صلح.
- بلیتسکی، آ. (۱۳۷۱)، «خراسان و ماوراءالنهر (آسیای میانه)»، ترجمه: پرویز ورجاوند، تهران. مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- پکر، گوندن، (۱۳۷۷)، «اسلام در آسیای مرکزی: اسطوره یا واقعیت»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ش. ۲۳.
- حافظ نیاز، محمدرضا و دیگران، (۱۳۸۶)، «علائق ژئوپلیتیکی ایران در آسیای مرکزی و فرصت‌های پیش رو، فصل‌نامه‌ی ژئوپلیتیک، سال سوم، شماره‌ی سوم.
- خوش‌خطی، مهدی و مهتاب امجدی (۱۳۸۶)، «ساختار نظام بین‌الملل و آینده خلیج فارس»، فصلنامه راهبرد یاس، شماره ۱۱.
- خانی، محمدحسن، (۱۳۸۴)، «دیپلماسی فرهنگی و جایگاه آن در سیاست خارجی کشورها، دانش سیاسی، شماره ۲.
- درویشی، فرهاد، (۱۳۸۴)، «محیط امنیتی ایران در قرن ۲۱، فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی، شماره ۴۲.
- روشندل، جلیل، (۱۳۷۴)، «امنیت ملی و نظام بین‌الملل» تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی.

- ۱۶۲ فصلنامه امنیت ملی، سال هفتم، شماره بیست و سوم، بهار ۱۳۹۶ —————*
- سجادپور، محمدکاظم، (۱۳۹۱)، *ثقل گرایی آسیایی با ثقل زدایی از خاورمیانه*، دیپلماسی ایرانی.
 - ابوالحسن شیرازی، حبیب‌الله و محمدرضا مجید، (۱۳۸۲)، *سیاست و حکومت در آسیای مرکزی و قفقاز*، تهران، نشر قومس.
 - شکاری، عبد القیوم، (۱۳۹۲)، *مبارزه با تروریسم و جنبه‌های متعارض آن در آسیای مرکزی*، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز؛ شماره ۵۶.
 - طائی، علی، (۱۳۹۴)، *صدای پای افراط‌گرایان در شمال افغانستان؛ تغییر جغرافیای جنگ در جوار مرزهای آسیای مرکزی*، همشهری دیپلماتیک، نشریه سیاسی — تحلیلی، دوره جدید، شماره ۸۷.
 - عزیزی، حمیدرضا، (۱۳۹۱)، *نگاه استراتژیک روسیه به جنوب*، کتاب کشورهای *مستقل مشترک المنافع* ۴، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، چاپ اول.
 - عساریان نژاد، حسین؛ (۱۳۸۹)، *نادی، حمیدرضا، درآمدی بر شناخت و تحلیل محیط امنیتی*، مطالعات دفاعی استراتژیک، شماره ۴۰.
 - عساریان نژاد، حسین - ۱۳۸۹ - *محیط امنیتی ایران - نشست تخصصی در همایش بین‌المللی هندسه قدرت جهانی - تهران - دعا*
 - عساریان نژاد، حسین - *تقریرات درس روش‌شناسی محیط امنیتی در سال‌های ۱۳۸۶، ۱۳۸۷ و ۱۳۹۰*، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران.
 - عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۸)، *ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم*، یک جلد، تهران، انتشارات سمت
 - قوام، عبدالعلی، (۱۳۸۰)، *اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل*، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.

————— ✦ تغییر رویکرد سیاست خارجی امریکا در آسیای میانه و تأثیر آن بر محیط امنیتی ج.ا.ا. ۱۶۳۰

- کولایی، (۱۳۸۹)، الهه، سیاست و حکومت در اوراسیای مرکزی، تهران، سمت.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۶)، دمکراسی و هویت ایرانی، یک جلد، تهران، انتشارات کویر.
- نای، جوزف، (۱۳۸۷)، قدرت نرم و ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل، ترجمه‌ی سیدمحمد روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
- واعظی، محمود، الزام همگرایی در آسیا، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- ولایتی، علی‌اکبر، (۱۳۷۶)، نگاهی دوباره به تاریخ آسیای مرکزی، فصلنامه مطالعاتی آسیای مرکزی و قفقاز، تهران، سال اول، ش ۱.
- هینبوش، ریموند (۱۳۹۲)، سیاست خارجی کشورهای خاورمیانه، ترجمه علی گل محمدی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

منابع انگلیسی

- Amy Myers Jaffe, 1998, "Unlocking the assets: Energy & The Future of Central Asia & the Caucasus", The James A. Baker III Institute For Public Policy of Rice University.
- British Petroleum (BP) (2010), «Statistical Review of World Energy», Available at: [http:// www.bp.com](http://www.bp.com), (Accessed on: 10/1/2010).
- Shireen Hunter, 2003, *Islam in Russia: the Politics of Identity and Security*, New York: Sharpe, M. E. Inc.
- Shambaugh, David. (2005). "China Engages Asia: Reshaping the Regional Order" *International Security*, 29(3).
- Wilson, Ian (2003), "The Subtle Art of Strategy: Organization Planning in Uncertain Times", USA: Greenwood Press Company, 2003.

وبسایت‌ها

- <http://www.ayandehnegar.org>.
- <http://pishine.ir/archives>.

← فصلنامه امنیت ملی، سال هفتم، شماره بیست و سوم، بهار ۱۳۹۶

- <http://www.psyop.ir/>
- <http://alef.ir/vdccxmqis2bqm48.ala2.html?277801>
- <http://www.khabarnegar.ir/News/2420.html>
- <http://www.farsnews.com/printable.php?nn=8711230839>
- <http://khabarfarsi.com/ext/4045247>